

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: النا پوستاویتووا (ELENA PUSTOVOYTOVA)، عضو کانون نویسندگان روسیه، روزنامه‌نگار
برگردان: ا. م. شبیری
۱۲ اپریل ۲۰۲۴

چین و غرب



موج معکوس "نظم مبتنی بر قانون"

کاترین تای، وزیر بازرگانی آمریکا به دنبال راه‌های دفاع در مقابل چین است

بی‌اعتنائی قوی امپراتوری آسمانی [چین] به چندین دهه سمپاشی ایدئولوژیک علیه کمونیسم "چینی"، خوشبختانه نتایج درخشانی به بار آورده است. نه تنها به این دلیل که دولت از نگاه یک و نیم میلیارد جمعیت کشور هویت ملی خود را حفظ کرده، بلکه مهمتر از همه، به این دلیل که امروز چین است که آب و غذا می‌دهد، کفش و لباس می‌پوشاند، تمام دنیا را با کمپیوترها و ماشین‌ها، ماهی‌تابه‌ها و جاروبرقی‌ها تأمین می‌کند، ایستگاه فضائی خودش را ساخته، سریع‌ترین فناوری ارتباطات سیار **جی-۵** را راه‌اندازی کرده و اکنون، به هر چه که بنگری، همه "ساخت چین" است. خلاف چین، تقلید متوالی از غرب برای روسیه، برای روسیه‌ای که یک سوم قرن زمان از دست داد تا خود را از پوسته ارزش‌های غربی آزاد کند، بسیار گران تمام شد.

اما بیجینگ، بنا به گزارش "[Euractiv](#)" بروکسل، اکنون آمریکا و اتحادیه اروپا را مجبور می‌کند تا پشم‌های خود را بکنند. زیرا، نظام اقتصادی آن‌ها قادر به ادامه حیات در رویارویی با چین نیست. کاترین تای، وزیر بازرگانی آمریکا، روز پنجشنبه در یک جلسه توجیهی در بروکسل، ساعاتی پیش از آغاز جلسه دو روزه شورای تجارت و فناوری اتحادیه اروپا و آمریکا نسبت به این موضوع هشدار داد. در این حالت، منطق، البته اروپائی باقی می‌ماند: "در صورتی که با اقدامات متقابل مناسب با سیاست‌های غیربازاری بیجینگ مقابله نشود، آسیب‌های جدی اقتصادی و سیاسی به دو بلوک وارد خواهد شد".

تای به اروپائی‌ها توضیح داد که "رشد اقتصادی باورنکردنی چین در چند دهه گذشته، دلیل کلیدی تشنج بین بیجینگ و واشنگتن است. در نتیجه این تاریخ منحصر به فرد توسعه و رشد اقتصادی، فشارهای فزاینده‌ای بین نظام‌های اقتصادی به وجود آمده است". در ادامه چنین استنباط می‌شود که "رقابت و بقاء نظام بازاری مانند ما با نظامی که ما آن را غیربازاری می‌دانیم و اساساً با سایر کشورها متفاوت است، با آن مشکل خواهد بود. اگر راه و روش دیگری برای حفاظت از شیوه عملکرد اقتصاد خود پیدا نکنیم، می‌دانیم چه اتفاقی خواهد افتاد و پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی برای نظام‌های ما خواهد داشت".

کاترین تای چه روشی برای محافظت در مقابل چین یافته است که ما هنوز نمی‌دانیم؟ امریکائی‌ها در سال‌های اخیر، به طور دم‌افزونی تلاش می‌کنند تا از حمایت آشکار از تجارت آزاد، به حمایت‌گرایی بازتر حرکت کنند. آن‌ها نخستین کسانی بودند که بدون در نظر گرفتن اتحادیه اروپا، به نقض اصول "اقتصاد آزاد" دست زدند و کفش‌های خود را در حال حرکت عوض کردند. همین یک سال پیش، جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی امریکا، در یک سخنرانی در بنیاد بروکینگز در واشنگتن، از این باور دولت‌های قبلی انتقاد کرد که "بازارها همیشه بی‌توجه به عملکرد رقبای ما، سرمایه‌ها را به صورت مولد و کارآمد تخصیص می‌دهند. اکنون هیچ کس - قطعاً نه من - قدرت بازارها را دست کم نمی‌گیرد، اما به نام کارائی بیش از حد ساده بازار، اقتصادهای بزرگ غیربازاری به نحوی در نظم اقتصادی بین‌المللی که مشکلات قابل توجهی به وجود آورده‌اند، ادغام شده‌اند".

در مقایسه با سالیوان، خیلی زودتر متوجه شدیم که مدیریت اقتصاد در راستای منافع ملی و نه تحت دیکته شرکت‌های فراملی، که عمدتاً از امریکا سرچشمه می‌گیرند، بسیار مؤثرتر است. اما می‌توانیم شرط‌بندی کنیم که حتی به رسمیت شناختن مدل اقتصادی معیوب غرب، فلسفه دیکتاتوری واشنگتن را تغییر نخواهد داد. به همین دلیل، "وزیر بازرگانی امریکا" اقدامات متقابل زیر را پیشنهاد می‌کند: "لازم است سیاست‌های دفاعی، مانند تعرفه‌ها، و همچنین اقداماتی تهاجمی‌تر (علیه چین)، از جمله، اقدامات تشویقی برای اصلاح پویائی بازار که به نفع ما نیست، اجراء شود". این واقعیت که این‌ها نه سیاست‌ها و رویه‌های بازار، بلکه حمایت‌گرایی خالصی هستند که چینی‌ها بیشترین آسیب را از آن متحمل شدند، با آن که "سیاست‌های غیربازاری و اقدامات به عمل آمده توسط کشورهای ثالث" در بیانیه کمیسیون حمل و نقل تورنتو بشدت تقبیح می‌شود، به نوعی در لابه لای خطوط کاترین تای قرار گرفت. با این حال، خود واشنگتن می‌تواند با اروپا همکاری کند تا سرعت نوآوری در چین را کاهش دهد، از دسترسی بیجینگ به پیشرفته‌ترین فناوری‌های ما برای توسعه نظامی خود جلوگیری کند، و در عین حال، به اتحادیه اروپا اهمیت ندهد. اما "Euractiv" به نقل از یک مقام ارشد اتحادیه اروپا نوشت: "اروپا به عکس، مایل است مخاطرات از سوی بیجینگ را کاهش دهد. زیرا، "مواد زیادی از چین می‌خرد و بسیار خوشحال خواهد شد که چین با فروش مواد به ما، به توسعه اقتصادی خود ادامه دهد".

خانم تای از دادن پاسخ به این سؤال که آیا کاهش رشد اقتصادی چین هدف رسمی سیاست امریکا است یا خیر، خودداری کرد. اما تأکید این موضوع لازم نیست. نکته اصلی در اینجا دادن فرمان بود و او آن را چنین داد: "این مستلزم مداخله و نیاز اتحادیه اروپا و امریکا برای همکاری با یک دیگر با هدف تضمین الگوهای اقتصادی و اجتماعی خود است".

مدل‌ها الگو هستند، اما "کاهش خطرات چین" توسط غرب، افت صنعتی در خود اتحادیه اروپا را تشدید می‌کند. "قوانین واشنگتن" به فرآیند مخالف منجر شده است - تمایل چین برای محافظت از اقتصاد خود در مقابل خطرات ناشی از غرب از طریق سرمایه‌گذاری در مقیاس بزرگ در تولید و فناوری‌های ستراتیژیک، کاهش صنعتی در اروپا را تشدید

می‌کند. مزید بر این، تحلیلگران اروپائی خاطر نشان می‌کنند، بیجینگ قبل از سیاست کاهش ریسک در اتحادیه اروپا، از "شکل بسیار جامع‌تر مدیریت خطر ناشی از محدودیت‌های تجاری امریکا و اتحادیه اروپا استفاده می‌کند". به زبان ساده، بیجینگ در اینجا نیز از اتحادیه اروپا و امریکا جلوتر است. در گزارش اخیر "[Euractiv](#)" آمده است که تلاش بیجینگ برای دستیابی به استقلال ستراتیژیک بیشتر از غرب، مدت‌ها قبل از طرح‌های اتحادیه اروپا برای "کاهش خطر" از سوی چین آغاز شده است. اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، در مارچ سال گذشته ضمن اعلام هشدار در این مورد، فراموش کرد که این حرکت متقابل از محدودیت‌های اتحادیه اروپا در تأمین صفحات خورشیدی و وسایل نقلیه الکتریکی از چین ناشی می‌شود.

اکنون این یک "ضربه مضاعف" برای بروکسل است: خود کاهش خطرات (اروپائی) و کاهش مصرف (کالا‌های اروپائی) در چین، به صنعتی زدائی ما کمک می‌کند. کنترل‌های داخلی بر زنجیره‌های تأمین ستراتیژیک، به کاهش صادرات اتحادیه اروپا به چین در سال گذشته کمک کرد و تأثیر منفی آن به‌ویژه بر المان، بزرگترین اقتصاد اروپا، مدل اقتصادی مبتنی بر صادرات و تولید فشرده که اخیراً توسط رهبران اتحادیه اروپا و کسب‌وکار اروپا مورد سؤال قرار گرفت، بر اساس گزارش اندیشکده "بروژ" بروکسل آشکار شد.

مرکز سیاست اروپا خطر سیاست‌های "نئومرکانتیلیستی" چین برای اقتصاد اروپا را نیز کشف کرد: "آن‌ها می‌خواهند هر آنچه را که از نظر ستراتیژیک برایشان مهم است، خودشان تولید کنند تا مستقل باشند. اما، همچنان از بازارهای آزاد برای صادرات و کسب درآمد از صادرات استفاده می‌کنند و البته این یک مشکل برای اروپا است". یورواستات [اداره آمار اروپا] اعلام کرد تولید صنعتی در این بلوک در ماه جنوری، ۷.۵ درصد نسبت به سال قبل کاهش یافت. کنفدراسیون اتحادیه‌های کارگری اروپا به عنوان نماینده ۴۵ میلیون کارگر اروپائی، شکایت از این می‌کند که "صنعت زدائی سریع اروپا" در چهار سال گذشته، به از دست دادن تقریباً یک میلیون شغل منجر شده است. یونس اسکلوند، رئیس اتاق بازرگانی و صنعت اتحادیه اروپا در چین، هشدار می‌دهد که عرضه بیش از حد به چین باعث فاجعه آهسته برای اروپا می‌شود و تهدید می‌کند: "باید بین اتحادیه اروپا و چین مذاکرات صادقانه انجام شود... زیرا، این تصور که اروپا فقط عقب‌نشینی کند و شاهد صنعت زدائی شتابزده باشد، برایم دشوار است. کریستالینا جورجیوا، مدیر عامل صندوق بین‌المللی پول، دوشنبه گذشته در مجمع توسعه چین، از چین خواست تا به سیاست‌های اقتصادی قبلی خود که مناسب و اشنگتن و بروکسل است، پایبند بماند...

من فقط می‌خواهم بپرسم: دوستان، هنگام ارائه ۳۸ اقدام محدودکننده علیه چین که بر اساس آن ۴۰۳۰ شخص حقوقی و ۷۹۰۲ شخص حقیقی تحت تحریم اتحادیه اروپا قرار گرفتند، به چه فکر می‌کردید؟ در مورد آزار و اذیت بیجینگ با تحریم‌های امریکا که از سال ۱۹۴۹ شروع شده، اصلاً حرفی نمی‌زنم...

تلاش‌های سرسختانه امریکا و اروپا برای استقلال ستراتیژیک بیشتر از چین به هزینه چین، نشان‌دهنده بی‌کنشی و سوسه‌انگیز "نظم مبتنی بر قوانین" است که فقط واشنگتن می‌تواند آن را بنویسد... درست است، اما فقط تا موج معکوس. شورای روابط خارجی اروپا، یکی از اولین‌هایی بود که متوجه شد سیاست چین نه تنها مبتنی بر منطق داخلی حزب کمونیست چین، بلکه بر واکنش به روندهای بین‌المللی مبتنی است که بر اساس آن، تضمین امنیت توسعه اقتصادی برای مقامات چینی به یک اصل راهنما و یک الگوی جدید تبدیل شده است. با این حال، شورای روابط خارجی اروپا فقط یک "اندیشکده اروپائی" است، نه واشنگتنی.

به نقل از: [بنیاد فرهنگ ستراتیژیک](#) / ۲۳ فروردین - حمل ۱۴۰۳